



Overview of Global Environmental Governance and Its Influence on Adopted National Water Policies

Arya Haghani¹

Abstract

Generally, national water policies and politics are already heavily influenced by global environmental governance processes in other areas, e.g. climate change and biodiversity, which offer many opportunities for linking national water policies to global policies aiming at sustainability. Global environmental governance (GEG) is the sum of organizations, policy instruments, financing mechanisms, rules, procedures and norms that regulate the processes of global environmental protection. The efficacy of global environmental governance will ultimately depend on implementation at global and domestic levels. National implementation is the ultimate key. These processes are based on simultaneous interventions of multiple actors on the local, national and global levels. The existence of legally binding global environmental regimes (e.g. the conventions on climate change, biodiversity, and combating desertification), global concepts (e.g. IWRM) and organizations with UN support (e.g. the World Commission on Dams) offer many points of departure for linking national water policies to global policies aiming at sustainability.

Keywords: *Water Governance, Water Politics, Integrated Water Resources Management, Sustainable Development, Global Environment, Biodiversity, Climate Change.*

¹ Bachelor's graduate in Agricultural Engineering – Water and Water Resources, Department of Irrigation and Reclamation, Faculty of Agricultural Engineering and Technology, College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran. Aryahaghani7@ut.ac.ir



بررسی حاکمیت جهانی محیط‌زیستی و تاثیر آن بر سیاست‌های اتخاذ شده ملی آب

آریا حقانی^{۱*}

چکیده

به طور معمول در سراسر جهان قوانین و سیاست‌های مربوط به بخش آب تا حد زیادی تحت تاثیر موضوعات حاکمیت محیط‌زیستی در زمینه‌های دیگر مانند تغییر اقلیم، تنوع زیستی هستند که موقعیت‌های فراوانی را برای پیوند دادن سیاست‌های آب ملی به سیاست‌های محیط‌زیستی با هدف پایداری فراهم می‌نمایند. حاکمیت جهانی محیط‌زیستی مجموعه‌ای از سازمان‌ها، ابزارهای سیاست‌گذاری، مکانیسم‌های تامین مالی، قوانین، رویه‌ها و هنجارهایی است که فرآیندهای حفاظت از محیط‌زیست جهانی را تنظیم می‌کنند. تاثیر مدیریت جهانی محیط‌زیست در نهایت بستگی به اجرای آن در سطوح جهانی و بومی دارد. اجرای آن‌ها در سطح ملی کلید نهایی کار است. این فرایندها بر پایه مداخله و مشارکت همزمان مختلف چندین بازیگر در سطح محلی، ملی و بین‌المللی هستند. موجودیت رژیم‌های مختلف محیط‌زیستی جهانی (به طور مثال توافقات پیرامون تغییر اقلیم، تنوع زیستی و مبارزه با بیابان‌زایی)، مفاهیم جهانی (مانند مدیریت یکپارچه منابع آب) و ارگان‌های تحت حمایت سازمان ملل (مثل کمیسیون جهانی سدها) نقاط مبدا بسیاری را برای پیوند میان سیاست‌های ملی آب و سیاست‌های جهانی که هدف‌شان پایداری است، ایجاد می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت آب، سیاست آب، مدیریت یکپارچه منابع آب، توسعه پایدار، محیط‌زیست جهانی، تنوع

زیستی، تغییر اقلیم.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی، رشته مهندسی کشاورزی-آب-منابع آب، گروه آموزشی آبیاری و آبادانی، دانشکده مهندسی و فناوری کشاورزی،

پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، aryahaghani7@ut.ac.ir

مقدمه

با دیدگاهی برای دستیابی به یک مفهوم از این که چگونه این قوانین و هنجارها به وجود می‌آیند و چگونه می‌توان آنها را اجرایی نمود، مطرح می‌نماید که به شرح زیر می‌باشد:

- چندگانگی کنش‌گران (دولتی و غیر دولتی)
- چندگانگی سطوح سیاسی^۱ که با یک دیگر در ارتباط هستند (محلی، استانی، ملی، منطقه‌ای و جهانی)
- تعدد الگوهای حاکمیتی^۲ (سیاست‌های دولتی در برابر سیاست‌های بخش خصوصی)

تحلیل فرایندهای حاکمیت جهانی نتیجتاً می‌توانند غیر دولت محور باشند. یک دیدگاه دیگر این است که سیاست‌های جهانی به طور فزاینده‌ای در حال شکل‌گیری و تحت تاثیر روندهای محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی سیاسی هستند. مادامی که این فرایندها به صورت جدا از هم دسته بندی می‌شوند، تحقیقات حاکمیت جهانی بر روی ارتباطات درونی این سطوح سیاستی تمرکز دارد. تعدد کنش‌گران، تعدد سطوح و چند وجهی بودن همگی با هم به این منجر می‌شوند که مفهوم تحلیلی سیاست جهانی بر تعدد ارتباطات درونی میان کنش‌گران اجتماعی و ادارات دولتی تمرکز نماید. هسته مرکزی حاکمیت جهانی از قوانین، هنجارها و استانداردهایی تشکیل می‌شود که آن‌ها رژیم‌های جهانی‌ای را تشکیل می‌دهند که خود برای شکل دادن حرکات اجتماعی طراحی و تنظیم گردیده‌اند. تحقیقات پیرامون حاکمیت جهانی این پرسش‌ها را مطرح می‌نماید که قوانین مربوطه از کجا نشأت می‌گیرند، چگونه در سطوح محلی و ملی اجرا می‌شوند، نوع ارتباطات بین قانون‌گذاران و مشمولان قوانین به چه صورت می‌باشد، چه کسانی در نهایت برنده و چه کسانی بازنده خواهند بود و چگونه همه این مباحث بر ظرفیت‌های حل مشکلات تاثیر دارند. در ادامه این بخش یک توضیح کوتاه و مختصر راجع

حتی بدون وجود یک توافق جهانی در مورد حقوق مرتبط با آب، سیاست‌ها و قوانین ملی آب یک کشور پیش از آن تا حد زیادی تحت تاثیر فرایندهای جهانی حاکمیت محیط‌زیستی بوده و هستند. منطق این پژوهش بر پایه دو دلیل بنا شده است. اولین آنها مربوط به این بحث است که آیا ضرورتی هست که برای هر مشکل محیط‌زیستی یک تصمیم مشخص در سطح جهانی اتخاذ گردد یا پیوندهای بالقوه موجود با سیاست‌های آب به حد کافی قوی هستند تا به اهداف توسعه بزرگتر در سطح ملی و محلی منجر شوند یا خیر؟ دوم اینکه ضروری است تا رژیم‌ها یا تعهدات جهانی به عنوان یک نماد حاکمیت جهانی، چنانچه قرار است به مقرراتی مرتبط تبدیل شوند، توسط کنش‌گران دولتی و غیر دولتی در سطح محلی، منطقه ای و ملی به جریان انداخته شوند. نتیجتاً پژوهش فعلی با ارائه‌ی یک تحلیل سودها و هزینه‌های رژیم‌های محیط‌زیستی جهانی به صورت عام آغاز می‌گردد و سپس نگاهی به ارتباط آنها با سیاست‌های آب می‌اندازد. در ابتدا با یک ارائه کوتاه از مفهوم تحلیلی حاکمیت جهانی همانگونه که در این پژوهش آمده شروع می‌کنیم. سپس بر تعهدات محیط‌زیستی جهانی و نحوه ارتباط آن‌ها در سطوح عملی، شناختی، اجرایی و سیاسی تمرکز خواهیم کرد. در اینجا ما تاکید خاصی بر معاهدات، راهبردها و مباحثات که به صورت فعالانه‌ای موارد محلی و منطقه‌ای را به رژیم‌های محیط‌زیستی جهانی پیوند می‌دهند و به این صورت با حاکمیت جهانی محیط‌زیستی مشارکت دارند، داریم. در قسمت پایانی نیز نتیجه گیری‌هایمان را که شامل سیاست‌های آب و حاکمیت جهانی محیط‌زیست است را ارائه خواهیم نمود.

حاکمیت جهانی به عنوان یک مفهوم تحلیلی

تحلیل حاکمیت جهانی بر قوانین و هنجارهایی که برای حل مشکلاتی که به صورت جهانی پذیرفته شده‌اند، تمرکز می‌کند. این تحلیل سه بعد جداگانه را

¹ Policy levels

² Governance patterns

به رژیم‌های اصلی سیاست‌های محیط‌زیستی جهانی و نحوه ارتباطشان با سیاست‌های آبی ارائه خواهیم نمود.

رژیم‌های جهانی سیاست محیط‌زیستی، تاثیرگذاری آن‌ها و ارتباط آن‌ها با مباحث آب

حاکمیت جهانی محیط‌زیستی تا حد زیادی به یک مجموعه از رژیم‌های بین‌المللی الزام‌آور وابسته است. در زمینه سیاست آب، رژیم‌های کنونی و موجود شامل موافقت‌نامه سازمان ملل پیرامون قانون کاربری های غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷)، موافقت‌نامه UNECE^۱ در مورد حفاظت و استفاده از آب‌های مرزی و دریاچه‌های بین‌المللی (۱۹۹۲) و پروتکل SADC^۲ در موضوع سامانه‌های آبی مشترک (۲۰۰۱) هستند. اما سه موافقت‌نامه ریو (موافقت‌نامه تغییر اقلیم، موافقت‌نامه تنوع زیستی کره زمین، موافقت‌نامه مبارزه با بیابان‌زایی)، همانند توافق‌نامه رامسر پیرامون محافظت از تالاب‌های طبیعی موجود در جهان، جزئیات، تمهیدات و تدارکات زیادی را که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر سیاست‌های آبی بین‌المللی تاثیرگذارند شامل می‌شوند. موافقت‌نامه تغییر اقلیم به عنوان موفق‌ترین این سه موافقت‌نامه بوده است زیرا توانسته است تا ساختاری را ایجاد کند که نهایتاً بتواند منابع عظیمی از سرمایه‌های بخش خصوصی را به سمت انجام آن تسهیل و هدایت کند و همچنین سودهای اقتصادی زیادی برای ادامه روند این رژیم محیط‌زیستی کسب نماید. موافقت‌نامه مبارزه با بیابان‌زایی بر عکس موافقت‌نامه تغییر اقلیم ضعیف‌ترین این توافق‌نامه‌ها بوده است. این نکته نیز جالب و شایان ذکر است که این موافقت‌نامه بیشترین نزدیکی، ارتباط و مشابهت را با بحران‌ها و تنش آبی دارد بدین صورت که همانند تنش آبی یک مسئله و مشکل در سراسر جهان نیست و تنها یک مشکل منطقه‌ای می‌باشد، گرچه این فرایند تحت تاثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بوده و هست. فرض این

پژوهش این است که یک توافق‌نامه آب برای رسیدن و دستیابی به به مدیریت جهانی آب چندان ضروری نیست. این فرض بر پایه دلایل زیر بیان می‌شود:

- نخست اینکه مجامع و انجمن‌های آب از پیش یک مفهوم و اصل هدایت‌کننده و پیش‌تاز در این زمینه برای مدیریت پایدار آب را توسعه داده‌اند که آن مفهوم چیزی نیست جز: مدیریت یکپارچه منابع آب. این مفهوم به صورت بین‌المللی توسط سازمان ملل پذیرفته شده و مورد حمایت این نهاد است و همین اصل تاثیر زیادی بر اصلاحات سیاست‌های ملی آبی داشته است. در این نگرش (توافق پیرامون تعاریف، اهداف و اصول مشکلات) مذاکره حول یک توافق‌نامه دیگر نمی‌تواند هیچ مزیت خاصی را عرضه نماید.
- دوم آنکه موافقت‌نامه‌های الزام‌آور قانونی موجود، ارتباطات و نقاط مشترک مختلفی را با سیاست‌های آبی دارند که همین امر در تسهیل اجرایی شدن اصول مدیریت یکپارچه منابع آب کمک شایانی می‌کنند و همچنین این موافقت‌نامه‌ها موجب می‌شوند تا قوانین و سیاست‌های محلی و ملی آب با سیاست‌های بین‌المللی محیط‌زیستی پیوند و ارتباط داشته باشند.
- سوم اینکه سازمان‌ها، نهادها و آورده‌گذاران چند ملیتی در حال حاضر برای مدیریت منابع آب، منابع عظیم مالی را صرف کرده و می‌کنند و بعید است که یک موافقت‌نامه جدید بتواند در تسهیل جذب سرمایه برای این بخش موفقیت خاصی را کسب نماید.
- چهارم هم آنکه موافقت‌نامه‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی و منطقه‌ای زیادی وجود دارند که با استفاده و مدیریت منابع آبی مرزی و آبراهه‌های بین‌المللی سر و کار دارند و

¹ United Nations Economic Commission for Europe

² Southern African Development Community

امروزه بر اساس پنل بین حکومتی تغییر اقلیم (IPCC^۲)، تغییرات شگرفی در مقادیر و الگوهای بارش، در پوشش برفی و همچنین پوشش یخی مشاهده شده است و این احتمال می‌رود که خشکی‌های قاره‌ای در تابستان‌ها و آسیب‌ها و خطرات مرتبط با این خشکسالی‌ها افزایش یافته‌اند. این انتظار می‌رود که بارش‌های متوسطه سالیانه در سطح جهان در طول قرن ۲۱، افزایش یابد در حالی که در مناطق مختلف این مقدار نسبت به مقیاس منطقه‌ای می‌تواند از ۵٪ تا ۲۰٪ افزایش یا کاهش داشته باشد. این افزایش‌ها نزدیک عرض‌های جغرافیایی بالا در طول سال به وقوع می‌پیوندند، در حالی که همین بارش‌ها در مناطق شمالی خط استوا، مناطق گرمسیری آفریقا و قطب جنوب در زمستان و در مناطق جنوبی و شرقی آسیا در تابستان اتفاق می‌افتند. کاهش باران‌های زمستانی برای استرالیا، آمریکای مرکزی، و جنوب آفریقا پیش بینی می‌شوند. در همین زمان، اختلافات و تفاوت‌های بزرگتری میان بارش‌های سالانه محتمل هستند. رخدادهای بارشی شدید، فراوان‌تر و قدرتمندتر می‌شوند که نهایتاً منجر به افزایش تعداد سیلاب‌ها می‌شود حتی در نواحی که کل بارش‌های سالانه کاهش می‌یابند. تغییرات دمایی هم در مقیاس‌های روزانه، فصلی، چند ساله و دهه‌ای دچار دگرگونی خواهند شد. این دگرگونی‌ها منجر به افزایش خشکسالی‌ها و سیلاب‌ها خواهند شد خصوصاً در نواحی که قبلاً تحت تاثیر ال‌نینو بوده‌اند. تقریباً تمامی اراضی دشتی به احتمال ۹۰ تا ۹۹ درصد روزها و موج‌های هوایی گرم بیشتر و روزهای سرد و یخبندان کمتری را تجربه خواهند کرد. یخچال‌های طبیعی و لایه‌های یخی در دو قطب زمین همچنان عقب نشینی خواهند داشت و دریاچه‌ها و جریان‌های آبی، بیشتر تحت تاثیر تغییرات وابسته به دما در عرض‌های جغرافیایی بالا همراه با تاثیرات در حد متوسط پیش‌بینی شده برای عرض‌های جغرافیایی میانی و کمترین تاثیرات پیش‌بینی شده برای مناطق

اهداف محیط‌زیستی را نیز شامل می‌شوند. مضافاً در حال حاضر کوشش‌هایی نیز برای دستیابی به قوانین استفاده و مدیریت سامانه‌های آبی زیرزمینی مرزی هم در دست بررسی قرار گرفته‌اند.

- پنجم هم اینکه بحران آبی کنونی یک پدیده جهانی نیست بدین صورت که از چندین تنش محلی تشکیل شده‌اند و در نتیجه به نظر نمی‌رسد تا یک توافق‌نامه دیگر بتواند منابع مالی و سیاسی بیشتری را به خود جذب نماید.

قدم اول این است که بتوانیم ارتباطها و نقاط مشترک بین توافق‌نامه‌ها و سیاست‌های آب را صریح‌تر و ملموس‌تر نماییم. این کار می‌تواند با تشکیل یک کارگروه و برنامه مشترک آب (همانند کارگروه جنگل که توسط CBD^۱ تشکیل شد) تسهیل شود که باید چند چیز را از جمله تنوع برنامه‌های موجود و مرتبط با مدیریت یکپارچه منابع آب، برنامه عملیاتی ژوهانسبورگ، اهداف توسعه هزاره جدید و اجرای راهبردهای کاهش فقر به عنوان مبنا در نظر بگیرد. به این طریق است که این امکان به وجود می‌آید تا به نحو قابل ملاحظه‌ای امکانات بهره‌برداری فعالانه از هم افزایی‌های بین توافق‌نامه‌ها و مدیریت آب را از طریق توسعه فعالیت‌های سودمند دو جانبه بهبود بخشید. پس از این است که بازیگران اصلی آب از جمله مدیران، انجمن‌های مشترکان آب و سازمان‌های مردم نهاد (NGO^۲) می‌توانند به سمت یک برنامه کاری از این نوع روی بیاورند و نتیجتاً باعث تاثیر بخشیدن به نیازها و تصمیم‌های آنها باشد.

موضوعات مرتبط با آب کنوانسیون‌های تغییر اقلیم، تنوع زیستی و بیابان‌زایی

تغییرات اقلیمی بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی، تاثیرات زیادی بر چرخه آب در طبیعت دارند. حتی

³ Intergovernmental Panel on Climate Change

¹ Center for Biological Diversity

² Non-Governmental Organization

گرمسیری قرار خواهند گرفت (مناطقی که انتظار بیشترین تغییرات دمایی در آنها می‌رود).

راهکارهای پتانسیل شناختی، اجرایی و سیاسی برای سیاست آب

راهکارهای سطح شناختی

سیاست آب به طور قابل ملاحظه‌ای در حال تبدیل شدن به بخشی مهم در سیاست محیط‌زیستی جهانی و توسعه پایدار می‌باشد. البته این یک فرایند و روند ساده نیست مادامی که سیاست آب در سطح و مقیاس بزرگ همچنان توسط مهندسان و جنبه‌های تکنیکی‌شان در مشکلات و راه‌حل‌های آن، سرکوب می‌شود. در عین حال افزایش تعداد تنش‌ها و کمبودهای آبی، باعث شده است تا کمیته‌ها و انجمن‌های آبی به طور جدی‌تر و گسترده‌تری به عوامل درونی (استفاده بیش از حد آب در مناطق مسکونی، صنعتی و کشاورزی) و خارجی (نابودی جنگل‌ها و تغییر اقلیم ناشی از فعالیت‌های انسان‌زاد) توجه نمایند. اگر روابط درونی قوی و محکمی بین تنش آبی و کمبود و فرایندهای محیط‌زیستی وجود داشته باشد، گام منطقی که می‌توان بعد از آن برداشت، این است که راهبردها و فعالیت‌های مشترک بازیگران عرصه کشاورزی و محیط‌زیست را مورد کنکاش قرار دهیم. تقسیم عادلانه و هوشمندانه سودها و هزینه‌ها همچون مشارکت در طرح‌های آبی جنبه‌های مهمی از رژیم‌های توسعه پایدار و محیط‌زیست جهانی هستند. همگام با مدیریت یکپارچه منابع آب و اشتراکات درونی با توافق‌نامه‌های ریو، این جنبه‌ها در حال یافتن به درون سیاست‌ها و قوانین آبی هستند، چیزی که باعث می‌شود تا تاثیرگذاری بیشتری را داشته باشند. ضرورت بررسی و پیش بینی نتایج تغییر اقلیم، هر دو نیاز به روش‌های معمول جمع‌آوری داده‌های دما، مقدار بارش و رخدادهای بزرگ و شدید و غیره را برجسته می‌کنند.

این داده‌ها باعث بهبود شرایط برای تبیین سیاست‌ها در بخش آب خواهند شد، مخصوصاً اگر بتوانند مکمل داده‌های جریان آب، موجودی آب و مصارف آب باشند.

راهکارهای سطح اجرایی

توافق‌نامه‌ها باید به صورت قوانین ملی در بیابند تا بتوانند قابلیت اجرایی شدن را پیدا کنند. با توجه به اشتراکات درونی میان تغییر اقلیم، تنوع زیستی، بیابان‌زایی و آب وجود یک سطح حداقلی از اشتراکات میان اهداف، روش‌های مفهومی و ابزارها مورد نیاز است که باید توسط بدنه قانون و مجموعه قوانین مربوطه ایجاد شود. زمینه دیگری که پیوستگی و تقسیم مشخص و روشن نیروها در آن نیاز است، بحث کفایت اجرایی است. در بیشتر موارد سازمان‌ها و وزارتخانه‌های محیط‌زیستی تحت فشار¹ UNCCD، UNFCCC² و UNCBD³ هستند. در بسیاری از کشورها بخش‌های اجرایی آب نظام‌های دیوان سالاری بزرگی هستند که تشویق به آزادی‌های بیشتر در سطوح محلی و ملی می‌نمایند. با توجه به اشتراکات درونی مهم میان آب و سیاست‌های محیط‌زیستی، همکاری با بخش‌ها و دپارتمان‌های محیط‌زیستی تا حدودی یک چالش جدید در این امور اجرایی است. این گمان می‌رود که جدال‌ها و تنش‌های مختلفی در این فرایندها پدیدار شوند که بازتاب دهنده تفاوت‌هایی در اولویت‌های سازمان‌هاست که مرتبط با چندگانه بودن عوامل منابع آب است.

راهکارهای سطح سیاسی

کنش‌گران محلی و غیر محلی در بخش آب می‌توانند در جهت مثبت به سمت توافق‌نامه‌های ریو

¹ United Nations Convention to Combat Desertification

² United Nations Framework Convention on Climate Change

³ United Nations Convention on Biological Diversity

حاکمیت جهانی آب و پیچیدگی‌های

مدیریتی آن

تنوع و گستردگی بالای مؤسسات، برنامه‌ها و برنامه ریزی‌های عملیاتی در سیاست بین‌المللی آب باعث به وجود آمدن موانعی برای یک اقدام سودمند و هماهنگ و یکپارچه می‌شود که نهایتاً منجر به افزایش شکاف‌های اجرایی در سیاست بین‌المللی آب می‌گردد. با به کارگیری اصول حاکمیتی - همکاری، هماهنگی، ارزش‌های مشترک، ادغام سطوح تصمیم‌گیری و مقوله‌های مرتبط - و تاسیس نمودن یک ساختار هماهنگ حاکمیت جهانی آب منجر به تضمین نمودن یک بهره‌گیری سودمند و کارا از منابع انسانی و مالی می‌گردد بسته شدن شکاف‌های اجرایی می‌گردد خصوصاً با روکردی بر اهداف توسعه هزاره. مشکلات کنونی جهانی آب با سه مشکل درون پیوندی مشخص می‌گردند: پیچیدگی‌های زیاد مقوله‌های مرتبط، حاکمیت ضعیف و شکاف‌های اجرایی. سیاست آب یک زمینه با پیچیدگی‌های زیاد زیست‌بومی، اجتماعی و اقتصادی است که نیازی به اشاره مجدد به آن نیست. همراه با کارهای گسترده حاکمیت ضعیف، این پیچیدگی در نهایت منتج به افزایش هرچه بیشتر شکاف‌های اجرایی می‌گردد که در نهایت باعث به خطر افتادن توسعه انسانی و محیط زیستی می‌شود. مشکل در اینجا کمبود راه‌حل‌های فنی یا برنامه‌هایی که می‌توانند مسائل و مشکلات آبی را کاهش دهند نیست، بلکه نبود یک ساختار نهادی متناسب تعهدات و کوشش‌های اجرایی به ویژه در سطح سیاست بین‌المللی آب می‌باشد. این امر ممکن است به دلیل کمبود منابع اجتماعی (منابع درجه دوم) که می‌توانند با منابع در حال از بین رفتن طبیعی (منابع درجه اول) هماهنگ شوند، می‌باشد. این پژوهش بیان می‌دارد که به منظور بهبود عملکرد و بسته شدن شکاف‌های اجرایی در سیاست های آبی، مفهوم حاکمیت، که تا کنون به طور معمول به صورت "حاکمیت جهانی" و "حاکمیت آب" تعریف شده بود، باید که در سیاست‌های آبی جهانی ادغام گردد که

گام بردارند تا بتوانند وزن و اعتبار بیشتری به مجموعه اهداف و نیازهای خود بدهند یا در جهت منفی، مجموعه پیشنهادات و اشتراکات درونی آن‌ها را مغایر با مسائل ملی تلقی کنند. به هر طریق، اختلافات و کشمکش‌ها در بخش سیاست محیط‌زیستی جهانی رفته رفته راه خود را به سمت بخش‌های سیاست‌های آب نیز پیدا کرده‌اند که نه تنها باید آن‌ها را با اولویت‌های ملی سنجید بلکه باید خدمات حفاظتی محیط‌زیستی جهانی را نیز در نظر گرفت (مانند پایداری شرایط اقلیمی و حفاظت از تنوع جانداران) که در نهایت این امر می‌تواند منجر به افزایش منافع در سطح محلی شود. از سوی دیگر، توافق‌نامه‌های تنوع زیستی و بیابان زدایی اهداف عمومی خاصی را مشخص نموده‌اند که حامی فرایندهای مشارکتی با در نظر گرفتن مدیریت منابع می‌شوند. در عمل این بدین معناست که پروژه‌های شایسته، علاقه مجامع محلی و مردم مقیمی که مدیریت منابع طبیعی و خدادادی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، بهتر است تا به صورت فعالانه با فرایندهای تصمیم‌گیری یکپارچه شوند. سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی معمولاً به صورت ناظر در موارد منطقه‌ای مورد خطر از نظر زیستی و با اهمیت جهانی عمل می‌کنند مانند جنگل‌های بارانی استوایی و سامانه‌های رودخانه‌ای و معمولاً از طرف رسانه‌های جمعی حمایت می‌شوند. هنگامی که مساله بدین صورت است با توجه به شرایط توافق‌نامه‌ها برای مشارکت و استفاده از منابع برای بازیگران محلی در جهت دفاع و حمایت از خواسته‌ها و تقاضاهایشان را ذکر نموده، می‌تواند تا حد زیادی واکنش‌ها و اقدامات متقابل محلی را تغییر دهد. این مجموعه حمایت‌های بیشتر که از آیین‌نامه‌های این توافق‌نامه‌ها استخراج گردیده، سازمان‌های مردم نهاد و رسانه‌های جمعی در مناطق دوردست که حضور و نظارت دولتی در آن‌ها ضعیف‌تر است و تضمینی برای اجرای قوانین نیست، اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند.

یکپارچه منابع آب و رژیم‌های محیط‌زیستی مانند توافق‌نامه‌های تغییر اقلیم، تنوع گونه‌های زیستی و مبارزه با بیابان‌زایی باعث ایجاد پیوندهای درونی میان آن‌ها با سیاست‌های ملی آب با سیاست‌های جهانی می‌شوند. این مطالب نشان دهنده این است که یک پیوند مثبت میان تصویب و قبولی رژیم‌های محیط‌زیستی بین‌المللی و پایداری در سیاست‌های ملی آب مشاهده می‌شود.

منتج به یک ساختار کارآمد حاکمیت جهانی آب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نظریه اصلی این پژوهش این بود که قوانین و سیاست‌های ملی آب، تا حد زیادی تحت تاثیر فرایندهای حاکمیت جهانی محیط‌زیستی هستند. این فرایندها بر پایه مداخله همزمان چندین کنش‌گر دولتی و غیردولتی در سطوح محلی، ملی و جهانی بنا شده‌اند. مفاهیم جهانی مثل مدیریت

REFERENCES

- Porter, G., & Brown, J. W. (1991). *Global environmental politics*. Westview Press.
- Pülzl, H., Rametsteiner, E., & Tarasofsky, R. (2004). Policy advice in options for a legally binding instrument for all forests. BOKU/RIIA, Vienna.
- Ramezani Ghavam-Abadi, M. H. (2007). A view on stable (sustainable) land use in international environmental laws. *Environmental Sciences*, 4(4), 57–74. (In Farsi).
- Reinicke, W. H. (1998). *Global public policy: Governing without government*. Brookings Institution Press.
- Scholz, I. (2004). A forest convention – yes or no? German Development Institute (DIE), Discussion Paper No. 6, Bonn.
- Scholz, I. (2005). Environmental policy cooperation among organized civil society: National public actors and international actors in the Brazilian Amazon. *European Journal of Development Research*, 17(4), 681–701.
- Secretariat of the Convention on Biological Diversity. (2003). *Interlinkages between biological diversity and climate change: Advice on the integration of biodiversity considerations into the implementation of the United Nations Framework Convention on Climate Change and its*
- Dabiri, F., Fakhrolzahi, R., & Poorhashemi, S. A. (2009). Investigation of principles and concepts of international environmental laws considering sustainable development. *Journal of Environmental Science and Technology (JEST)*, 11(3), 215–225. (In Farsi).
- Dingwerth, K., & Pattberg, P. (2006). Global governance as a perspective on world politics. *Global Governance*, 12, 185–200.
- Greene, W. (2004). Aid fragmentation and proliferation: Can donors improve the delivery of climate finance? *IDS Bulletin*, 35(3), 66–75.
- Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (2001). *Climate change 2001: Synthesis report. A contribution of Working Groups I, II, and III to the Third Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*. Watson, R. T., & Core Working Team (Eds.). Cambridge University Press.
- Nepstad, D. C., Schwartzman, S., & others. (2006). Inhibition of Amazon deforestation and fire by parks and indigenous reserves. *Conservation Biology*, 20(1), 65–73.
- Parsons, E. A. (2003). *Protecting the ozone layer: Science and strategy*. Oxford University Press.

Existing knowledge, cutting-edge themes, and research strategies. Proceedings of the National Academy of Sciences (PNAS), 108(50), 19853–19860.

Ziyei Bigdelli, M. (2015). General international laws (Vol. 51). Tehran: Ganj-e-Danesh Publications

Kyoto Protocol. CBD Technical Series (10), CBD, Montreal.

World Commission on Dams (WCD). (2000). Dams and development: A new framework for decision-making. Earthscan.

Young, O. R. (2011). Effectiveness of international environmental regimes: